



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۱۱/۱۴



م. اسحاق نگارگر

بهشت ماهیان



بهشت آنجاست کآزاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد

بهشت ماهیان

حوضچه ای بود ساخته شده از سنگ مرمر سفید و در آن حوضچه ماهیان با آزادی تمام شنا می کردند. وقت به وقت آب حوضچه بدل می شد و جایش را به آب تازه و گوارا میداد. از غذا هیچ کمبودی احساس نمی شد؛ غذای مورد علاقه ماهیان از بالا در حوضچه فرو می ریخت و ماهیان به دلخواه هر قدر می خواستند می خوردند و خلاصه اینکه از اسباب عیش و نوش کمبودی نبود.

ماهیان به شیوه خود در باره این سرزمین آزادی سرود و ترانه می خواندند و حاضر نبودند بهشت خود را با جهان بدل کنند. هر روز ماهیان رسیده از بهشت ناپدید می شدند و جای خود را به ماهیان کوچک می دادند و هیچ کس نمی دانست که ماهیان ناپدید شده کجا رفته اند و چه بر سر شان آمده است.

در بهشت ماهیان یک ماهی پیر و دنیا دیده هم بود که به عوالم فلسفی دست یافته بود و در راز آفرینش ماهیان فکر می کرد و می خواست بداند آنکه برخی ماهیان را می برد و برخی دیگر را می آرد کیست و مقصودش از این کار چیست؟ او هرکس بود بر سرنوشت این ماهیان حاکم بود و ماهیان را برای مقصودی در این جا گرد آورده بود و برای شان آب ودانه میداد.

روزی با ماهیانی که از حوضچه گرفته شده بودند و به سوی سرنوشت مجهول خود می رفتند او نیز در تور افتاد و با دیگران همراه شد.

ماهی پیر می دید که همه در طشتی که به مراتب کوچکتر از بهشت ماهیان بود شنا می کردند. ماهی پیر دید که پُشت یک تابه بزرگ مردی خشن نشسته است و همکاریش کاردی به دست دارد و با آن شکم ماهیان را می دزد و در پتنوسی که پهلوی مرد پُشت تابه است قرار می دهد و او هم ماهیان را در روغن جوشان می افکند و بریان می کند. ماهی پیر بیچاره آهی کشید و با خود گفت:

«حالا می فهمم که مقصود از آن حوضچه که ماهیان آنرا بهشت خود می خواندند چیست. آنجا بهشت نه که در حقیقت قتلگاه ماهیان بوده است.» ماهی پیر تا همین جا فکر کرده بود که کاردی جگر او را هم درید و به اصطلاح «آنها که خیر شد خبرش باز نیامد!»

انسان تا کودک است اسیر امیال کودکانه است و چون به جوانی می رسد کار است و دویدن و تپیدن برای زندگانی و وقتی به پیری رسید ضعف پیری است و دست و پنجه نرم کردن با بیماری ها. حرص؛ آز و افزون طلبی انسان را نمی گذارد که دم خوش بزند و احساس آرامش کند.

به قول بیدل:

دُنیا اَلَمِ غفلت و عقبی غَمِ اعمال اَسودگی از ما دو جهان فاصله دارد

آزادی در هر لحظه عمر ایدیل انسان باقی می ماند و امید آزادی انسان را به جلو می راند. آیا فرزند آدم بالاخره بدان بهشت می رسد که در آن آزاری نباشد و کسی را با کسی کاری نباشد.

من نمی دانم زیرا که بعد از مرگ در عالم عقبی نیز انسان غم اعمال را دارد. شاید آزادی در آنجا نیز همان ایدیل بماند!

نگارگر ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ برمنگهم

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان راهنمایی شوند.

بهشت ماهیان

[i_negargar_behesht_e_maahiyaan.pdf](#)